



نشریه علمی تمدن اسلامی و دین پژوهی

سال اول / شماره چهارم / تابستان ۱۳۹۹



کارکرد دارالعلم فاطمی در آموزش علوم و تبلیغ تعالیم اسماعیلی

یدالله حاجی زاده^۱

(۹۶-۱۱۱)

چکیده

از مهم‌ترین اقدامات فرهنگی و تمدنی در دولت شیعی مذهب فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷) راه اندازی مرکزی علمی با عنوان «دارالعلم» در کنار سایر مراکز علمی و فرهنگی بوده است. واکاوی جنبه‌های کارکردی این مرکز علمی می‌تواند الگویی شایسته در اختیار مسلمانان- که در مسیر دستیابی به تمدنی نوین هستند- قرار دهد. واکاوی این موضوع با شیوه توصیفی- تحلیلی نشان می‌دهد این مرکز علمی که در دوره الحاکم بامرالله (حک: ۳۸۹-۴۱۱) ششمین خلیفه فاطمی ایجاد شده، کارکردهای گوناگونی داشته است. آموزش علوم مختلفی چون فقه، قرائت، نجوم، نحو، پزشکی، ریاضی و منطق در دستور کار این مرکز علمی بوده است. یکی دیگر از بارزترین کارکردهای دارالعلم، جنبه تبلیغی آن بوده است. داعیان اسماعیلی که اغلب امر اداره این مرکز علمی را در دست داشتند، در راستای سیاست دولت اسماعیلی مذهب فاطمیان، برنامه‌ریزی امور دعوت و تبلیغ اسماعیلی را در این مرکز علمی انجام می‌دادند. وجود کتابخانه‌ای بسیار عظیم در این مرکز علمی، در راستای تسهیل امر آموزش و تبلیغ، بسیار ارزشمند بوده است.

واژگان کلیدی: دارالعلم فاطمی، الحاکم، کارکرد، آموزش، تبلیغ تعالیم اسماعیلی و تمدن اسلامی.

^۱ - استادیار تاریخ و تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی _ hajizadeh30@yahoo.com

مقدمه

مسلمانان در دو قرن چهارم و پنجم هجری از جهت تمدنی دست‌آوردهای ارزنده‌ای به جامعه بشری تقدیم کردند. در این میان دو دولت شیعی مذهب فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷) و آل‌بویه (۳۳۲-۴۴۷) به عنوان دولت‌های قدرتمند در جهان اسلام، جایگاه مهمی را کسب کرده‌اند. آنان در این دو قرن در زمینه فرهنگ و تمدن به چنان دست‌آوردهایی رسیدند که می‌توان دورانشان را «عصر زرین فرهنگ و تمدن اسلامی» و یا به تعبیری «دوره رنسانس اسلامی» دانست. (آدامز، ۱۳۶۴: ۹) در این بین، دولت شیعی مذهب فاطمیان که از اواخر قرن سوم هجری تا نیمه دوم قرن ششم هجری تداوم یافته، اقدامات ارزنده‌ای در جهت دستیابی به پیشرفت‌های فرهنگی و تمدنی در پیش گرفت. یکی از مهم‌ترین اقدامات این دولت جهت دستیابی به پیشرفت‌های تمدنی، تأسیس مراکز علمی و آموزشی همانند جامع الازهر، قصرها، خانه وزیران، کتابخانه‌ها، مدارس، مجالس الحکمه و دارالعلم بوده است. (بهرامی و فرمانیان، ۱۳۹۰: ۵۴-۲۹؛ جان احمدی و سالاریه، ۱۳۹۱: ۱۴۶-۱۳۰) در میان مراکز علمی و آموزشی که فاطمیان تأسیس کردند، مرکز علمی «دارالعلم» از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است. این دارالعلم در سال ۳۹۵ هجری در قاهره پایتخت نوین فاطمیان، دوره الحاکم بامرالله ششمین خلیفه فاطمی (حک: ۳۸۹-۴۱۱) و به دستور او ایجاد شد. (مقریزی، ۱۴۲۷: ۲؛ ج ۲: ۳۹۷؛ چلونگر، ۱۳۸۳: ۹۳-۹۴) هر چند هدف اصلی از ایجاد این دارالعلم- با توجه به رفتارهای عجیب و بعضاً متناقض الحاکم (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۷: ۱۵)- به صورت دقیق مشخص نیست اما احتمالاً رقابت‌های علمی میان فاطمیان و عباسیان در ایجاد آن بی‌تأثیر نبوده است. (هالم، ۱۳۷۷: ۹۳) ضمن این که شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد الحاکم در ابتدای دوره حاکمیت خویش رفتارهای افراطی در برابر اهل سنت داشت به گونه‌ای که در یک مورد، دستور داده بود بر دیوارهای برخی از مساجد، دشنام‌هایی به بزرگان صحابه (احتمالاً خلفای سه گانه) نوشته شود. (سخاوی، ۱۴۰۶: ۱۱۶؛ ابن زیات، ۲۰۰۹: ۴۱) به همین جهت، وی این مرکز علمی را در راستای جبران گذشته و نشان دادن تساهل و تسامح خویش (ولو به صورت ظاهری) در برابر اهل سنت برپا کرد. (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲۷: ۲۴۴؛ ابن تغری، بی‌تا، ج ۴:

(۲۲۲)

در تمدن اسلامی، از این مرکز علمی- که دارای کارکردهای گوناگونی بوده- به عنوان مرکز علمی موفق و تاثیرگذار یاد شده، به گونه‌ای که یکی از محققان، خدمات دارالعلم فاطمی را به قاهره همانند خدمت

اسکندریه به بطالسه^۱ دانسته است. (داج، ۱۳۶۷: ۲۵) سئوالی که در این جا مطرح است این است که جنبه‌های کارکردی دارالعلم فاطمی چه بوده و عملکرد این مرکز علمی، در جهت آموزش علوم و گسترش تعالیم مذهبی چگونه بوده است؟ توجه به نقش و کارکرد این مرکز علمی می‌تواند الگوی خوبی به مسلمانان- که در صدد دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی هستند- ارائه کند.

درباره پیشینه این موضوع باید گفت پیش از این مقاله‌ای با عنوان «پژوهشی درباره دارالعلم قاهره» به قلم محمد علی چلونگر در مجله مشکوة شماره ۸۲ به چاپ رسیده که در لابلای مباحث، به وجود کتابخانه در آن و کارکرد آموزشی‌اش اشاره شده است. (چلونگر، ۱۳۸۳: ۱۰۴-۹۳) مقاله دیگری با عنوان «اهداف، وظایف و کارکرد آموزشی مراکز علمی فاطمیان» به قلم حمزه علی بهرامی و مهدی فرمانیان در فصلنامه سخن تاریخ به چاپ رسیده که در بخشی از آن، ضمن اشاره به مراکز آموزشی‌ای همانند مساجد، قصرها، خانه وزیران، کتابخانه و دارالعلم، به صورت مختصر به وظایف و کارکرد هر یک اشاره شده است. (بهرامی و فرمانیان، ۱۳۹۰: ۵۴-۲۹) در مقاله دیگری با عنوان «کتابخانه‌ها دارالعلم و نگارش کتاب در عصر فاطمیان» به قلم محمد تقوی ذیل عنوان «دارالعلم» به صورت بسیار مختصر به برخی از کارکردهای این مرکز علمی در لابلای مطالب اشاراتی شده است. (تقوی، ۱۳۶۹: ۵۷-۵۵) مقاله دیگری نیز، از فاطمه جان احمدی و صفورا سالاریه با عنوان «سیاست علمی و فرهنگی فاطمیان در مصر» نوشته شده که در بخشی از آن ضمن معرفی نهادها و موسسات آموزشی در عصر فاطمیان، شامل مسجد، قصر و منازل علما، ذیل عنوان «کتابخانه‌ها»، علاوه بر ذکر کتابخانه قصر، به دارالعلم نیز، پرداخته و در حقیقت دارالعلم را به عنوان کتابخانه معرفی کرده است. (جان احمدی و سالاریه، ۱۳۹۱: ۱۴۱-۱۳۸) هرچند در لابلای مقالات مذکور به برخی از کارکردهای دارالعلم فاطمی اشاره شده است، اما تاکنون به صورت کامل، مهم‌ترین کارکردهای این مرکز علمی که در حقیقت، آموزش علوم و گسترش تعالیم اسماعیلی بوده، مورد توجه قرار نگرفته است.

^۱ - شهر اسکندریه پس از فتح مصر در سال ۳۱۱ ق.م. توسط اسکندر مقدونی، در یکی از دهانه‌های رودخانه نیل ساخته شد. جانشینان اسکندر (بطلمیوسیان) این شهر را پایتخت خویش قرار دادند و با اقدامات عمرانی خویش، این شهر را-که موقعیت جغرافیایی برجسته‌ای داشت- به یکی از باشکوه‌ترین شهرهای دنیای قدیم بدل کردند. (مرادی، ۱۳۶۹: ۲۱۳-۲۰۰)

نقش و ضرورت دارالعلم در مسیر دستیابی به تمدن نوین

تمدن از باب تفعل، از نظر لغوی به معنای شهرنشین شدن، شهرنشینی، تخلق به اخلاق اهل شهر، اقامت در شهر و معادل واژه شهرآیینی است. (دهخدا، ۱۳۴۳، ج ۱۵: ۹۴۲؛ معین، ۱۳۶۴، ج ۳: ۱۱۳۹) معادل انگلیسی این کلمه Civilization و معادل عربی آن «الحضاره» نیز به معنای شهری شدن و اقامت در شهر است. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۲، ۱۰۳) درباره تعریف اصطلاحی تمدن به جهت پیچیدگی‌هایی که دارد و برداشت‌های متفاوتی که از آن شده، اتفاق نظری وجود ندارد. بر اساس برخی از تعاریفی که از تمدن شده، این اصطلاح مفهوم عامی است که شامل فرهنگ نیز، می‌شود و رویکرد تمدنی رویکرد عامی است که فرهنگ را نیز در بر دارد. (ویل دورانت، ۱۳۶۵، ج ۱: ۳؛ شریعتی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۵؛ یوکیچی، ۱۳۶۳: ۱۱؛ روح الامینی، ۱۳۹۴: ۴۹) به نظر می‌رسد مقام معظم رهبری که برای اولین بار اصطلاح تمدن نوین یا تمدن نوین اسلامی را به کار برده، همین معنا از تمدن را مد نظر دارند. تعریفی که ایشان از تمدن اسلامی ارائه کرده چنین است: «تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است، برسد.» (سخنرانی رهبری، ۱۴ شهریور ۱۳۹۲) ایشان معتقد است تمدن نوین از دو بخش ابزاری و بخش متنی و اصلی (حقیقی) تشکیل شده است. بخش ابزاری عبارت است: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ. بخش دوم که بخش متنی، اصلی و حقیقی تمدن نوین از منظر ایشان است، همان سبک زندگی است. (سخنرانی رهبری در ۲۳ مهر ۱۳۹۱) تأمل در این موارد نشان می‌دهد ایشان تمدن و یا تمدن نوین را مفهوم عامی می‌داند که هم شامل نمادهای عینی دستاوردهای بشری می‌شود و هم مفاهیم معنوی را در بر دارد؛ البته با این پیش‌فرض که دومی از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار است.

از میان همه بایسته‌هایی که تمدن نوین به آنها توجه دارد، مراکز علمی از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردارند چرا که در همین مراکز علمی است که به برکت علم، توانایی و قدرت کشور بیشتر می‌شود و در نتیجه بر عزت کشور افزوده می‌شود. از منظر مقام معظم رهبری «دانش آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است.» (بیانیه گام دوم انقلاب) در این میان دارالعلم به جهت کارکردهایی که داشته و همین کارکردها را می‌توان امروزه نیز به شکل کامل‌تر و بهتری با تاسیس مراکزی مشابه داشته باشیم، از اهمیت خاصی برخوردار است. دارالعلم به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز علمی در جهان اسلام،

موسسه‌ای بوده که هر دو کارکرد فرهنگی و تمدنی را با هم داشته است. این مرکز علمی که با همت بزرگان شیعه تاسیس شد، در رشد و اعتلای تمدنی در جهان اسلام تاثیر بسزایی داشت. یکی از مهم‌ترین مقومات دارالعلم‌ها، کتابخانه بوده است. علی‌رغم همه پیشرفت‌هایی که در جامعه بشری رخ داده و علی‌رغم همه تحولاتی که رخ داده، کتابخانه‌ها هنوز از همان جایگاه مهم و ارزنده خویش برخوردارند. وجود کتابخانه‌های زیاد در ادواری که دارالعلم‌ها در آن رونق داشت، سهم عمده‌ای در ارتقاء فرهنگ و تمدن اسلامی برجای گذاشته است، چرا که دارالعلم‌ها با برخورداری از کتابخانه‌های عمومی، فرهنگ عمومی مسلمانان را بهبود بخشیدند. آدام متر در کتاب «تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری» پس از اشاره به چند کتابخانه مهم این دوره، این کتابخانه‌ها را با چند کتابخانه در اروپا مقایسه کرده است. وی می‌نویسد: کتابخانه کلیسای جامع شهر کنستانتز در قرن نهم میلادی فقط ۳۵۶ کتاب داشت و کتابخانه دیر بندیکتی در سال ۱۰۳۲ کمی بیش از ۱۰۰ جلد و کتابخانه کلیسای جامع شهر بامبرگ به سال ۱۱۳۰ فقط ۹۶ جلد کتاب داشت. (آدام متر، ۱۳۶۴، ج: ۱، ۲۰۲) این مقایسه از طرفی نشان‌دهنده رشد فرهنگ و تمدن در این دوره در تمدن اسلامی و ضعف فرهنگی و تمدنی در اروپا است.

علاوه بر این، با تاسیس دارالعلم‌ها دانشمندان زیادی در زمینه‌های گوناگون تربیت شدند و به پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی کمک کردند. (جعفری، ۱۳۷۵: ۴۴-۴۷) آنان از این مراکز علمی بهره‌برده‌اند و با نوشتن آثار علمی، به پیشرفت علم و تمدن اسلامی کمک کردند. ضمن این که همین مراکز علمی الگوی برخی دیگر از مراکز علمی در جهان اسلام شدند کما این که فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷) به تبعیت از دارالعلم‌های آل بویه، در مصر دارالعلمی با نام دارالعلم حاکمی ایجاد کردند. (ذهبی، ۱۴۱۳، ج: ۲۷: ۲۴۴) سلجوقیان نیز با همین الگو در طرابلس دارالعلمی ایجاد کردند. (کاتب، ۱۹۸۰: ۱۶۶) یکی از محققان ضمن اشاره به دارالعلم شاپور بن اردشیر می‌نویسد: تأسیس این دارالعلم و دیگر مراکز علمی کمک فراوانی به ایجاد مدارس پیشرفته‌ای چون نظامیه و مستنصریه بغداد کرد. (قرچانلو، ۱۳۸۰، ج: ۱: ۲۶۱)

امروزه می‌توان با الگوگیری از این نهاد ارزشمند فرهنگی و تمدنی و البته با تکمیل آن، راه خویش را جهت دستیابی به تمدن نوین اسلامی که هدف و آرمان اساسی جمهوری اسلامی است، (بیانیه گام دوم انقلاب) هموار کنیم.

دارالعلم‌ها در جهان اسلام

دارالعلم در حقیقت موسسه علمی- آموزشی بوده که مهم‌ترین رکن آن کتابخانه بوده است. در این مرکز علمی- که از برخی جنبه‌ها شبیه برخی از مدارس شبانه‌روزی حوزوی امروزی بوده- اغلب دانشجویان و حتی در مواردی اساتیدی سکونت داشتند که به کار مطالعه و تحصیل اشتغال داشتند و هزینه تحصیل آنان توسط متولیان این مراکز تامین می‌شد.

اولین دارالعلم در جهان اسلام توسط ابوالقاسم جعفر بن محمد بن حمدان موصلی (۳۲۳-۲۴۰) از فقهای شافعی در شهر موصل برپا شده است. (حموی، ۱۴۰۰، ج ۷: ۱۹۱-۱۹۰) موصلی که جایگاه علمی‌اش مورد ستایش برخی از بزرگان قرار گرفته (حموی، ۱۴۰۰، ج ۷: ۱۹۲؛ کحاله، بی‌تا، ج ۳: ۱۴۷) با بنای دارالعلم در شهر موصل، در آن کتابخانه‌ای مهیا کرد که کتاب‌هایی از همه علوم در آن قرار داشت. وی این کتاب‌ها را وقف طالبان علم کرده بود، به‌گونه‌ای که هر کسی می‌توانست از این مرکز علمی استفاده کند و حتی گاهی نوشت‌افزار هم در اختیار مراجعین کم‌بضاعت قرار می‌داد. حموی ضمن اشاره به این مطالب، از تشکیل مجلس درس، توسط موصلی در این مرکز علمی خبر داده است. (حموی، ۱۴۰۰، ج ۷: ۱۹۳) هر چند ظاهراً حسادت برخی از همشهری‌های موصلی که سرانجام به تبعید وی از این شهر منجر شده، مانع از تداوم خدمات علمی این مرکز علمی شده است. (حموی، ۱۴۰۰، ج ۷: ۱۹۴-۱۹۳)

پس از این، در دولت شیعه مذهب آل بویه چند دارالعلم مهم ایجاد شد. یکی از مشهورترین این دارالعلم‌ها، دارالعلم شاپور بن ادرشیر (۳۳۶-۴۱۶) وزیر شیعه مذهب و ایرانی بهاء‌الدوله دیلمی است که در سال ۳۸۳ هجری در محله کرخ بغداد در محله بین‌السورین ایجاد شد. (ابن جوزی، ۱۴۲۸: ۲۳۵)؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲۷: ۱۶؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۹: ۱۰۱) کتابخانه این دارالعلم آموزشی که ادعا شده اولین کتابخانه و دارالعلم شیعه بوده (محمدنیا سماکوش، ۱۳۸۹: ۹۲) حدود ۱۰ هزار جلد کتاب در موضوعات و فنون مختلف داشت. (حموی، ۱۴۰۰، ج ۱: ۵۳۴؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۹: ۳۵۰) در این مرکز علمی بحث و گفت‌وگوی های علمی در میان دانشمندانی که به آن رفت و آمد داشتند، برقرار بوده است. (شنترنی، ۲۰۰۰، ج ۳: ۲۶۲؛ ابن خلکان، بی‌تا، ج ۲: ۳۵۶)

دارالعلم دیگری که در دوره آل بویه ساخته شد، دارالعلم سید رضی است. محمد بن حسین موسوی بغدادی مشهور به سید رضی (۳۵۹-۴۰۶) در بغداد خانه‌ای تهیه دید و آن را به صورت مدرسه‌ای

جهت شاگردان خود درآورد. وی نام این مرکز علمی را «دارالعلم» نهاد و تمامی نیازمندی‌های طلاب را در همان جا برای آنها فراهم کرد. (ابن عنبه، ۱۳۸۰: ۲۰۹) سید رضی برای این دارالعلم خزانه‌ای با کلیه وسائل و لوازم فراهم کرد و کلیدهایی به تعداد طلاب به آنها داد بود تا هر وقت چیزی خواستند خودشان مستقیماً درب انبار را گشوده و بردارند و دیگر منتظر انباردار نمانند. (ابن عنبه، ۱۳۸۰: ۲۱۰) دارالعلم سید رضی کتابخانه‌ای هم داشته که سید رضی کتاب‌های مورد احتیاج طلاب را در آن گرد آورده بود، تا دانشجویان این مرکز علمی از لحاظ مطالعه و مراجعه به منابع بی‌نیاز باشند. به نظر می‌رسد در این دارالعلم گاهی دانشمندان نیز حضور می‌یافتند و به بحث و مناظره می‌پرداختند. (حموی، ۱۴۰۰، ج ۶: ۵۳۹) با مرگ سید رضی (مرگ: ۴۰۶) این دارالعلم تعطیل شد. (کریمی زنجانی، ۱۳۶۶ الف، ج ۷: ۴۰۹) دارالعلم دیگری که در این دوره ساخته شد، دارالعلم سید مرتضی است. علی بن حسین موسوی بغدادی مشهور به سید مرتضی (مرگ: ۴۳۶) برادر بزرگتر سید رضی نیز در بغداد دارالعلمی ایجاد کرد. این دارالعلم که در واقع بخشی از خانه سید مرتضی بوده (ابن حجر، ۱۳۹۰، ج ۴: ۲۲۳) جانشینی برای دارالعلم سید رضی بوده است. (کریمی زنجانی، ۱۳۶۶ ب، ج ۷: ۴۰۹) شاید وجه اهمیت این دارالعلم وجود کتابخانه آن باشد که هشتاد هزار جلد کتاب داشته است. (ابن عنبه، ۱۳۸۰: ۲۰۶) با مرگ سید مرتضی (مرگ: ۴۳۶) این دارالعلم نیز بسته شد. (کریمی زنجانی، ۱۳۶۶ ب، ج ۷: ۴۰۹) دارالعلم طرابلس نیز، از دیگر دارالعلم‌های مشهور در جهان اسلام است که به همت دولتمردان شیعی مذهب بنی‌عمار در طرابلس و در نیمه دوم قرن پنجم (سال ۴۶۳) ساخته شد. این دارالعلم که دارای کتابخانه‌ای غنی هم بوده در اوایل قرن ششم توسط دشمنان بنی‌عمار به آتش کشیده شد. (فروزانی و مودت، ۱۳۹۳: ۲۴-۷)

دارالعلم فاطمی و کارکردهای آن

یکی از مشهورترین و عظیم‌ترین دارالعلم‌ها در جهان اسلام، دارالعلم فاطمیان است که افراد زیادی در خدمت‌ش بودند و آموزش را سروسامان می‌دادند. (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۷۹) این مرکز علمی که خلیفه فاطمی؛ الحاکم بامر الله، امر به آبادانی آن داده بود (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۵: ۷۱؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲۷: ۲۴۴) و هزینه‌های جاری آن را به طور کامل و دقیق پرداخت می‌کرد (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۸۰) اغلب کارکرد آموزشی و تبلیغی داشته که در ادامه به آن اشاره می‌شود. قبل از این، بهتر است به معرفی کتابخانه‌ای که در این مرکز علمی بنا شده بپردازیم.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دارالعلم فاطمی وجود کتابخانه‌ای بسیار بزرگ در این مرکز علمی بوده است. بدیهی است که فراهم ساختن کتاب به عنوان مهم‌ترین و ضروری‌ترین ابزار دانشجویان محروم، نویسندگان و عالمان، همواره می‌تواند کمک قابل توجهی به آنان در جهت حرکت در مسیر تعالی تمدن اسلامی باشد.

پس از تأسیس دارالعلم در قاهره که در نزدیک قصر غربی محل اقامت خلیفه فاطمی الحاکم بامرالله، ایجاد شد، به دستور الحاکم کتابخانه‌ای عظیم نیز، در این مرکز علمی دایر شد. (کندی مصری، بی‌تا: ۶۰۰؛ مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۷۹؛ ابن تغری بردی، بی‌تا، ج ۴: ۲۲۲)؛ در این کتابخانه، که یکی از بزرگترین کتابخانه‌های جهان در زمان خودش بوده، کتاب‌های بسیار زیاد، گوناگون و بعضاً بسیار نفیسی نگه‌داری می‌شد. نویری (مرگ: ۷۳۳) از انتقال کتاب‌های خزائن قصرها به آن خبر داده (نویری، ۱۴۲۳، ج ۲۸: ۱۷۹) و مقریزی (مرگ: ۸۴۵) می‌نویسد: از کتابخانه‌های قصر و خزانه خلیفه، کتاب‌های فراوان و گوناگونی (در علوم مختلف) بدان جا منتقل کردند به گونه‌ای که مجموعه‌ای فراهم شد که پیش از آن، چنین مجمعی برای کسی از حاکمان فراهم نشده بود. (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۷۹) این مطلب بیانگر عظمت این مجموعه علمی و عظمت کتابخانه موجود در آن است. به منظور تکمیل این مجموعه، خریداری کتاب و افزودن کتاب‌های این کتابخانه در سال‌های بعد نیز تداوم یافته است. برخی از منابع رقم بسیار بالایی درباره تعداد کتاب‌های این کتابخانه ثبت کرده‌اند. مقریزی که به نقل از ابن ابی طی از استیلاء صلاح الدین ایوبی بر فاطمیان^۲ و بر کتابخانه قصر فاطمی (با عنوان خزانه الکتب) سخن گفته، بیان می‌کند: «در سراسر جهان اسلامی کتابخانه‌ای بزرگ‌تر از آن نبود، این کتابخانه یک میلیون و ششصد هزار جلد کتاب در آن، نگه‌داری می‌شد و تنها از کتاب تاریخ طبری ۱۲۰۰ نسخه در این کتابخانه بود!» (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۲۹۲) احتمالاً مقصود از «خزانه الکتب» همان کتابخانه دارالعلم باشد چرا که همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، الحاکم پس از تأسیس این کتابخانه، حتی کتاب‌هایی که در خزانه قصر بود، به این کتابخانه منتقل کرد. بنابراین، عملاً کتابخانه دیگری آن هم با این عظمت در قصر

^۱ - یحیی بن حمید بن ظافر طائی حلبی غسانی (م. ۶۳۰ق)، مورخ و ادیب و مولف کتاب «معادن الذهب فی تاریخ

الملوک و الخلفاء و ذوی الرتب». درباره او رک: ابن حجر ۱۳۹۰، ج ۶: ۲۶۳؛ زرکلی، بی‌تا، ج ۸: ۱۴۴)

^۲ پس از مرگ العاضد آخرین حاکم فاطمیان در سال ۵۶۷، صلاح الدین ایوبی که در این دولت منصب وزارت را برعهده داشت، شخصاً امور حکومت را در دست گرفت. به این ترتیب دولت فاطمی‌ها از سرزمین مصر برفتاد و صلاح الدین ایوبی به قدرت رسید و دولت ایوبیان را پایه‌گذاری کرد. درباره دولت ایوبیان رک: طقوش، ۱۳۸۰).

خلیفه نبوده است. ضمن این که به جز کتاب‌های خزانه‌های قصر، حاکمان فاطمی با خرید و جمع‌آوری کتاب بر تعداد کتاب‌های آن می‌افزودند، بنابراین رقم فوق (علی‌رغم اعرافی که ممکن است در مورد آن شده باشد) مربوط به دارالعلم فاطمی است.

کتاب‌های مذهبی این کتابخانه تنها به اسماعیلیه اختصاص نداشت چرا که هدف الحاکم جلب پیروان همه فرقه‌ها بود. به همین جهت گفته شده «الحاکم کتب و منابع مذهبی اهل سنت را نیز، به این مرکز انتقال داد.» (ابن تغری بردی، بی‌تا، ج ۴: ۲۲۲؛ عش، ۱۳۷۲: ۱۰۰)

این کتابخانه بزرگ در خدمت آموزش علوم مختلف و تبلیغ آیین اسماعیلی بوده است. منابعی که درباره این کتابخانه نوشته‌اند، از عمومی بودن آن سخن گفته‌اند، به گونه‌ای که نه تنها محدودیتی برای استفاده از آن برای کسی وجود نداشته، بلکه امکانات مورد نیاز از قبیل قلم و کاغذ رایگان نیز در اختیار افراد قرار می‌گرفت تا به راحتی بتوانند از کتابخانه بهره ببرند. (نویری، ۱۴۲۳، ج ۲۸: ۱۷۹؛ مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۷۹) جرجی زیدان منظور از تأسیس دارالعلم را استفاده عمومی از این مرکز علمی دانسته و بیان می‌کند هدف این بوده که عامه مردم به صورت رایگان به مطالعه، مباحثه و استنساخ کتاب بپردازند. (زیدان، بی‌تا، ص ۶۳۵) در نقلی آمده است: «... مردم از هرگروه و طبقه به دارالعلم می‌آمدند بعضی برای خواندن کتاب و بعضی برای استنساخ از آنها و عده‌ای برای دانش‌اندوزی و خلیفه هرچه را در آن جا مورد نیاز مراجعه‌کنندگان بود، از قبیل قلم و کاغذ و مرکب و دوات به دارالعلم اعطا می‌کرد.» (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۷۹) همه این موارد نشان می‌دهد کتابخانه‌ای که در این مرکز علمی ایجاد شد- ضمن اینکه همه کسانی که به کتاب و کتاب‌خوانی علاقه‌مند بودند، به راحتی و بدون کمترین هزینه‌ای می‌توانستند از آن بهره ببرند- در حقیقت در جهت آموزش و تبلیغ تعالیم مذهبی فاطمیان به کار گرفته می‌شد و طبیعتاً این امر به رشد فرهنگی مردم مصر کمک کرده است.

۱- کارکرد آموزشی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای دارالعلم فاطمی، کارکرد آموزشی آن بوده است. در مواردی همین کارکرد آموزشی سبب تمایز این مرکز علمی از مراکز علمی‌ای همانند بیت الحکمه (رضایی، ۱۳۹۰: ۷۰-۴۸؛ الشاونی، ۱۹۹۵: ۱۲۶-۱۳۳) شده است. در این دارالعلم هر چند امر آموزش با فراز و فرودهایی همراه بوده، اما تردیدی نیست که بسیاری از علوم اسلامی و غیراسلامی در این مرکز علمی تدریس می‌شد و دانشمندان در رشته‌های گوناگون علمی به امر تدریس و تحقیق اشتغال داشتند.

پس از بنای دارالعلم فاطمی، با حمایت‌های خلیفه، علمای رشته‌های گوناگون از جمله علمای علم قرائت، منجمان، علمای نحو و لغت، پزشکان، فقها، علمای ریاضی و منطق در آن حضور یافتند و به امر آموزش مشغول شدند. نویری (مرگ: ۷۳۳) در نهایت الارب ضمن اشاره به افتتاح این مرکز علمی در نوزدهم جمادی الثانی (سال ۳۹۵) از حضور فقها، نحویون، پزشکان و منجمین در این مرکز علمی خبر داده است. (نویری، ۱۴۲۳، ج ۲۸: ۱۷۹) مقریزی نیز ضمن اشاره به افتتاح این مرکز علمی در دهم جمادی الثانی سال ۳۹۵ از حضور قراء، منجمین، نحویون، لغویون، پزشکان و منجمان در این مرکز علمی سخن گفته است. (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۷۹) وی در جای دیگری به حضور ریاضی دانان، علمای منطق و فقها در دارالعلم اشاره کرده است. (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۸۰) نویسندگان دیگر نیز، ضمن اشاره به جنبه آموزشی این مرکز علمی، از حضور علمای رشته‌های گوناگون در این مرکز علمی خبر داده‌اند. (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۵: ۷۱؛ کندی مصری، بی تا: ۶۱۰؛ مقریزی ۱۴۲۷، ج ۱: ۳۶۹) هر چند جزئیات امر آموزش در این مرکز علمی تا حدودی مبهم است اما حضور علمای رشته‌های گوناگون علمی از جمله پزشکان، منجمان و ریاضی دانان در دارالعلم نشانگر گستردگی این مرکز علمی و تنوع مواد آموزشی در آن است. علاوه بر این نشان می‌دهد دارالعلم فاطمی در راستای گام برداشتن در جهت تعالی تمدنی، رشد علمی در همه علوم را مدنظر داشته است. هاینس هالم؛ مستشرق و شیعه شناس آلمانی، دارالعلم فاطمی را تنها موسسه علمی در جهان اسلام معرفی کرده که در همه زمینه‌های علمی به طالبان علم آموزش می‌داد. (هالم، ۱۳۷۷: ۹۲)

تسامحی که در ابتدای تأسیس این مرکز علمی از سوی حاکمان فاطمی نشان داده شده بود، سبب شده برخی از علمای اهل سنت نیز در این مرکز علمی به امر آموزش و بحث و گفت و گوی علمی مشغول شوند. از علمای اهل سنت افرادی چون حافظ عبدالغنی بن سعید (مرگ: ۴۰۹) (زرکلی، بی تا، ج ۴: ۳۳؛ بغدادی، بی تا، ج ۱: ۵۸۹) ابوالحسن علی بن سلیمان انطاکی مقری (مرگ: ۳۹۹) و ابواسامه جناده بن محمد بن حسین اسدی هروی (مرگ: ۳۹۹) در دارالعلم علاوه بر تدریس، به بحث و گفت و گویا دیگران می‌پرداختند. (مقریزی، ۱۴۲۷، ج ۲: ۳۸۰؛ ابن خلکان، بی تا، ج ۱: ۳۷۲؛ صفدی، ۱۴۲۰، ج ۱۱: ۱۴۸) از دیگر کسانی که در این مرکز علمی به کار تدریس مشغول بوده و مشخصاً خود الحاکم او را به منظور تدریس به دارالعلم دعوت کرده و لقب «عالم العلماء» را برای او انتخاب کرده، شخصی نابینا به

نام «ابوالفضل جعفر» عالم نحوی و لغوی بوده است. (کندی مصری، بی تا: ۶۱۰؛ مقریزی، ۱۴۲۷، ج ۱: ۳۶۹)

۲- کارکرد تبلیغی

آموزش، تعلیم و تبلیغ، از منظر اسماعیلیان و داعیان اسماعیلی از اهمیت و ارزش والایی برخوردار بود. به گونه‌ای که «داعیان (اسماعیلی) از هر فرصتی، برای رساندن پیام خود به دیگران و تعلیم آنها استفاده می‌کردند.» (بهرامی و فرمانیان، ۱۳۹۰: ۳۰) کاربرد واژه «تعلیمیه» برای اسماعیلیان می‌تواند نشانگر اهمیت این امر در منظر آنان باشد. (بهرامی و فرمانیان، ۱۳۹۰: ۳۱؛ جان احمدی و سالاریه، ۱۳۹۱: ۱۲۸-۱۲۶)،

دارالعلم فاطمی هر چند در ابتدا با هدف اثبات تسامح خلیفه در برخورد با دیگر فرقه‌های اسلامی ایجاد شد و در ابتدای امر، مرکزی جهت ابراز عقیده پیروان اهل سنت شده بود، به گونه‌ای که اهل سنت نیز، در آن به آموزش، بحث و فعالیت علمی مشغول بودند (ابن تغری، بی تا، ج ۴: ۲۲۲) اما اندکی بعد، هدف اولیه از تأسیس این مرکز علمی (نشان دادن تسامح با دیگران)، تا حدودی رنگ باخت (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۵: ۷۱؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲۷: ۲۴۴) و دارالعلم در کنار آموزش علوم، به مرکزی جهت آموزش و تبلیغ تعالیم مذهب اسماعیلی و تربیت فقها و داعیان اسماعیلی بدل شد. در سال ۳۹۹ هجری بود که ابواسامه جناده بن محمد بن حسین ازدی لغوی و ابوالحسن علی بن سلیمان انطاکی - احتمالاً به جهت سوء استفاده از فضای تسامحی این مرکز علمی و افراط در تبلیغ مذهب اهل سنت - (عش، ۱۳۷۲: ۱۰۳) به دستور الحاکم (مرگ: ۴۱۱) به قتل رسیدند. (ابن تغری، بی تا، ج ۴: ۲۲۳-۲۲۲؛ ابن خلکان، بی تا، ج ۱: ۳۷۲؛ مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۸۰) با این تغییر رویه - که فضا را تا حد زیادی برای اهل سنت (حداقل تا مدتی) دشوار کرد - اداره این مرکز علمی به داعی الدعات اسماعیلی که مدیریت تبلیغات این فرقه را عهده‌دار بود، واگذار شد. (دفتری، ۱۳۷۶: ۲۲) مقریزی به نقل از ابن طویر نویسنده شیعی می‌گوید: داعی الدعات مبلغان اسماعیلی را جمع می‌کرد و این گردهم آیی در محل دارالعلم انجام می‌شد. (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۲۵۹)

وجود دارالعلم که تقریباً تمامی امکانات را جهت تعلیم در اختیار داعیان اسماعیلی قرار می‌داد. (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۸۰؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲۷: ۲۴۴) فرصتی مغتنم و ارزشمند برای آنان به حساب می‌آمد که از آن در جهت تبلیغ باورهای اسماعیلی بهره‌گیرند. به همین جهت است که

می‌بینیم اساتید این مرکز علمی که به امر تعلیم و آموزش مشغول می‌شدند، توسط داعی الدعات برگزیده می‌شدند. (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۴۰۹) گفته شده داعی الدعات اسماعیلی در دارالعلم می‌نشست و با داعیان و فقها درباره علوم مذهبی مذاکره و صحبت می‌کردند و درباره برنامه‌ریزی دعوت تصمیم می‌گرفتند. (قلقشندی، بی‌تا، ج ۲: ۳۶۶)

تردیدی وجود ندارد که علی‌رغم سخت‌گیری‌هایی که نسبت به اهل سنت وجود داشته و حتی بعضا برخی از بزرگان اهل سنت در این مرکز علمی به قتل رسیده‌اند، در برخی از ادوار، باردیگر فضا برای حضور بزرگان اهل سنت و تبلیغات و یا تدریس آنان در این مرکز علمی فراهم بوده است. به عنوان نمونه، برخی منابع از تبلیغات آنان در سال ۵۱۶ هجری در این مرکز علمی خیر داده‌اند. بر اساس نقلی، گروهی موسوم به «بدیعیه» از اهل سنت به رهبری برکات و حمید بن مکی اطفیحی به تبلیغ باورهای مذهبی اهل سنت پرداختند و برخی را به گمراهی کشاندند. (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۸۰) در این زمان، افضل بن بدر جمالی وزیر الامر (حک: ۴۹۵-۵۲۴) به خاطر نگرانی از تبلیغات آنان، فرمان بستن دارالعلم را صادر کرد. (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۸۰) هر چند برخی نیز، بر این باورند نگرانی افضل بن بدر جمالی از تبلیغات نزاریان^۱ سبب شده‌وی فرمان به بستن این مرکز علمی بدهد. (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۸۲)؛ پس از قتل افضل، مجدداً با اصرار برخی این مرکز علمی با تاکید بر جنبه تبلیغی‌اش راه اندازی شد و مقرر شد به منظور جلوگیری از مشکلاتی که به وجود آمده بود، یکی از داعیان اسماعیلی متولی آن شود و بر امور آن نظارت داشته باشد. (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۸۲) از این زمان به بعد، فعالیت‌های تبلیغی اسماعیلیان در این مرکز علمی از سر گرفته شده و تا پایان دوره فاطمیان (۵۶۷) تداوم یافته است. هر چند برخی از محققان از ناکامی مراکز تبلیغی فاطمیان پس از پایان یافتن حاکمیت ایشان سخن گفته‌اند (بادکوبه هزاوه و فضلی، ۱۳۸۷: ۷۶) اما تردیدی نیست که این مراکز، صرفاً جنبه تبلیغی نداشتند. ضمن این که تبلیغات آنان حداقل در زمان خودشان بی‌تاثیر نبوده است چرا که استقبال از مجالس تبلیغی آنان - که برخی از منابع به آن اشاره دارند- (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۲۵۹) نشان دهنده اقبال به آنان است. ضمن این که نباید تلاش‌ها، اقدامات و به تعبیری مبارزه فرهنگی صلاح الدین

^۱ - با مرگ المستنصر بالله (۴۸۸ق) نزاع بر سر جانشینی او سبب پیدایش دو شاخه مستعلویه و نزاریه شد. نزاریان گروهی بودند که امامت پسر بزرگتر مستنصر؛ نزار را قبول داشتند. (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۴: ۸۵)

ایوبی (مرگ: ۵۸۹) را با اندیشه‌ها و تعالیم فاطمیان نادیده گرفت. (روحی و سیدی نوقابی، ۱۳۹۶: ۳۷-

(۲۱)

نتیجه‌گیری

فاطمیان به عنوان یکی از مقتدرترین دولت‌های شیعی در جهان اسلام، مراکز علمی و آموزشی متعددی در مصر ایجاد کردند که یکی از مهم‌ترین این مراکز «دارالعلم» نام دارد. این مرکز علمی که در دوره الحاکم بامرالله (حک: ۳۸۹ - ۴۱۱) ششمین خلیفه فاطمی در سال ۳۹۵ هجری بنا شد و ۱۷۲ سال پرفراز و نشیب به حیات خویش ادامه داد، دارای کارکردهای گوناگونی بوده است و همین کارکردهای گوناگون، این مرکز علمی را در سطح بزرگترین مراکز علمی جهان قرار داد. یکی از مهم‌ترین و ارزشمندترین بخش‌های دارالعلم، کتابخانه آن بوده است. کتابخانه‌ای که در این مرکز علمی ایجاد شد، دارای کتاب‌های بسیار زیاد و بعضاً نفیسی در علوم مختلف بود که توسط خلفای فاطمی به خصوص الحاکم فراهم شده بود. استفاده از کتابخانه اختصاص به قشر خاصی نداشت و همگان اعم از عامی و عالم می‌توانستند از آن بهره ببرند و از امکاناتی که در آن برای مراجعین فراهم شده بود، استفاده کنند. یک کارکرد مهم این مرکز علمی، کارکرد آموزشی آن بوده است. در این مرکز علمی-صرف‌نظر از سخت‌گیری‌هایی که نسبت به اهل سنت در برخی از ادوار وجود داشته- عالمان ادیان و مذاهب گوناگون به تدریس علوم مختلفی چون قرائت، نجوم، نحو و لغت، پزشکی، فقه، ریاضی و منطق اشتغال داشتند. کارکرد دیگر این مجموعه علمی، کارکرد تبلیغی آن بوده است. هر چند حاکمان فاطمی به منظور نشان دادن تساهل خویش سعی داشتند که این مجموعه علمی را فرامذهبی نشان دهند، اما عملاً دارالعلم فاطمی مرکزی جهت تبلیغ تعالیم اسماعیلی بوده است. داعیان اسماعیلی که اغلب امر مدیریت دارالعلم بر عهده آنان بود، از این مرکز علمی در جهت تبلیغ و نهادینه‌سازی باورهای کلامی خویش استفاده می‌کردند. امروزه با الگوگیری از دارالعلم‌های شیعی می‌توان مراکزی با همان سبک و سیاق و البته کامل‌تر و پویاتر ایجاد کرد و جامعه اسلامی را در جهت دستیابی به تمدن نوین اسلامی یاری بخشید.

کتابنامه

- متز، آدام (۱۳۶۴). تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیر کبیر.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۵). الكامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر.
- ابن تغری بردی، یوسف (بی تا). النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، مصر، وزارة الثقافة والارشاد القومي.
- ابن جوزی، أبو الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد (۱۴۱۲). المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد عبد القادر عطا و مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- (۱۴۲۸). شذور العقود فی تاریخ العهود، بی جا، مرکز نجیبویه.
- ابن حجر (۱۳۹۰). لسان المیزان، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۴۰۸). دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر، تحقیق خلیل شحاده، بیروت، دار الفکر.
- ابن خلکان (بی تا). وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، بیروت، دار الثقافة.
- ابن زیات، محمد بن ناصر (۲۰۰۹). الکوکب السیارة فی ترتیب زیارة و فیه ابرز مقامات الصحابة و الصوفیه، بیروت، دار و مکتبه بیبلیون.
- ابن عنبه (۱۳۸۰). عمدہ الطالب، نجف، منشورات المطبعة الحیدریه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵). لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- بادکوبه هزاوه، احمد؛ فضلی، زینب (۱۳۸۷). "عوامل ناکامی مراکز رسمی آموزشی تبلیغی فاطمیان در گسترش مذهب اسماعیلی در مصر"، فصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۸، پاییز و زمستان، ص ۱۹-۴۴.
- بغدادی، اسماعیل باشا (بی تا). هدیه العارفین، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- بهرامی، حمزه علی؛ فرمانیان، مهدی (۱۳۹۰). «اهداف، وظایف و کارکرد آموزشی مراکز علمی فاطمیان»، فصلنامه سخن تاریخ، شماره ۱۴، پاییز، ص ۲۹-۵۴.
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، تهران، معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه.
- تقوی، محمد (۱۳۹۶). «کتابخانه ها دارالعلم و نگارش کتاب در عصر فاطمیان»، ماهنامه پژوهش های تاریخی، اجتماعی و سیاسی، شماره اول، اردیبهشت، ص ۵۱-۶۴.
- جان احمدی، فاطمه؛ سالاریه، صفورا (۱۳۹۱). "سیاست علمی و فرهنگی فاطمیان در مصر"، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۴۹، بهار، ص ۱۲۱-۱۵۶.
- جعفری، سید محمد مهدی (۱۳۷۵). سیدرضی، تهران، طرح نو.

- چلونگر، محمد علی (۱۳۸۳). «پژوهشی درباره دارالعلم قاهره»، مشکوة، شماره ۸۲، بهار، ص ۹۱-۱۰۴.
- حموی، یاقوت (۱۴۰۰) معجم الادباء، بیروت، دار الفکر.
- داج، بایارد (۱۳۶۷). دانشگاه الازهر تاریخ هزار ساله تعلیمات عالی اسلامی، ترجمه آذرمیدخت مشایخ فریدنی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۳). لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
- روح الامینی، محمود (۱۳۹۴). زمینه فرهنگ شناسی، تهران، عطار.
- دفتری، فرهاد (۱۳۷۶). تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، فرزانه.
- قرچانلو، حسین (۱۳۸۰). جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، تهران، سمت.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (۱۴۱۳). تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دار الكتاب العربی.
- رضایی، رمضان (۱۳۹۰). "بیت الحکمه و نهضت ترجمه در عصر عباسی"، پژوهشنامه تاریخ، شماره ۲۳، تابستان، ص ۴۸-۷۰.
- روحي علیرضا؛ سیدی نوقابی، سپیده (۱۳۹۶). "جنگ نرم صلاح الدین ایوبی در مواجهه با فاطمیان با بهره گیری از مدارس"، پژوهش های علوم تاریخی، دوره ۹، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۵، بهار، ص ۲۱-۳۷.
- زرکلی، خیرالدین (بی تا). الاعلام، بیروت، دارالعلم للملایین.
- زیدان، جرجی (بی تا). تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام، تهران، امیرکبیر.
- سخاوی، علی بن احمد (۱۴۰۶). تحفة الأحباب و بغیة الطلاب، قاهره، مکتبه الکلیات الازهریه.
- الشاونی بنعبدالله، احمد (۱۹۹۵). "بیت الحکمة معهد العصر الذهبی للترجمة"، مجله اللسان العربی، العدد ۴۰، یولیو، ص ۱۱۳-۱۲۶.
- شریعتی، علی (۱۳۸۶). تاریخ تمدن، تهران، قلم.
- شنترینی، علی بن بسام (۲۰۰۰). الذخیره فی محاسن اهل الجزیره، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
- صفدی، صلاح الدین خلیل بن اَبیک (۱۴۲۰). الوافی بالوفیات، بیروت، دار احیاء التراث.
- طقوش، محمد سهیل (۱۳۸۰). دولت ایوبیان، ترجمه عبدالله ناصری طاهری، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- العش، یوسف (۱۳۷۲). کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرون وسطی، ترجمه اسدالله علوی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- کحاله، عمر رضا (بی تا). معجم المؤلفین، بیروت، مکتبه المثنی.

- فروزانی سید ابوالقاسم؛ مودت، لیدا (۱۳۹۳). "بررسی نقش دارالعلم طرابلس در پویایی مذهب تشیع در عهد بنی عمار"، فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه شناسی، شماره ۴۶، تابستان، ص ۷-۲۴.
- قلقشندی، احمد بن علی (بی تا). *صبح الاعشی فی صناعة الانشاء*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- کاتب، عماد الدین (۱۹۸۰). *تاریخ دولة آل سلجوق*، بیروت، منشورات دارالافاق الجدید.
- کریمی زنجانی، محمد (۱۳۶۶). *مدخل دار العلم شریف رضی، دایره المعارف تشیع*، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، کامران فانی و بهاء الدین خرمشاهی، تهران، بنیاد اسلامی طاهری.
- کندی مصری، أبو عمر محمد بن یوسف (بی تا). *کتاب الولاة و کتاب القضاة*، قاهره، دارالکتاب الاسلامی.
- محمد نیا سماکوش، مرتضی (۱۳۸۹). "کتابخانه شاپور اولین کتابخانه و دارالعلم شیعه"، کتاب ماه کلیات، شماره ۸، مرداد، ص ۹۲-۹۷.
- مرادی، نورالله، کتابخانه اسکندریه، مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، تابستان و پاییز ۱۳۶۹، شماره ۲-۴، ص ۲۰۰ تا ۲۱۳.
- معین، محمد (۱۳۶۴). *فرهنگ فارسی*، تهران، دانشگاه تهران.
- مقریزی، احمد بن علی (۱۴۲۷). *المقفی الکبیر*، بیروت، دار الغرب الإسلامی.
- (۱۴۱۸). *المواعظ و الإعتبار بذكر الخطط والآثار*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- نویری، شهاب الدین احمد بن عبد الوهاب (۱۴۲۳). *نهاية الأرب في فنون الأدب*، قاهره، دارالکتب و الوثائق القومیه.
- دورانت، ویل (۱۳۶۵). *تاریخ تمدن؛ مشرق زمین گاهواره تمدن*، ترجمه احمد آرام، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- هاینتس هالم (۱۳۷۷). *فاطمیان و سنت‌های تعلیمی و علمی آنان*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، نشر فرزاد.
- یوکیچی، فوکوتساوا (۱۳۶۳). *نظریه تمدن*، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران، گیو.